

دیوان رهاشده

□ مؤده حمزه تیریزی (مدیر انتشارات ریزپردازنده)

در پاییز سال ۱۳۹۵ شریک سه دانگ دیگر ساختمان محل فعالیت انتشارات ریزپردازنده دو دادخواست به دادگاه ارائه می‌دهد، یکی برای فروش این ملک مشاع و دیگری برای خلع ید از ساختمان با این ادعا که سال‌ها بدون اذن ایشان دفتر انتشارات ریزپردازنده از این ملک مسکونی استفاده اداری کرده است (در حالی که مطابق اسناد موجود در دفتر انتشارات کتباً این اجازه را به این دفتر نیز داده بودند). با این همه، پس از بیش از بیست سال فعالیت انتشاراتی در این ساختمان چون نخستین بار بود که این خواسته مطرح شده بود، کل فعالیت انتشارات ریزپردازنده متوقف شد و ماهنامه ریزپردازنده نیز با تأخیرهای طولانی منتشر گردید و مستقیماً بدون استفاده از دفتر نشریه از چاپخانه برای مشترکین پست می‌شد. چون دادخواست فروش نیز داده بودند فکر می‌کردیم در عرض چند ماه مسئله حل شود و انتشار منظم ماهنامه را از سر بگیریم. (یادآوری می‌گردد که ماهنامه ریزپردازنده تا شماره ۲۶۱ انتشار مهر ۱۳۹۵ ماه به ماه به طور منظم منتشر می‌شده است).

در دادگاه اول قاضی محترم پرونده با یک توصیه انسانی-دینی طرفین را احتمالاً به این دلیل که رابطه خویشاوندی نزدیکی داشتند به مصالحه دعوت می‌کند و بر این اساس در محضر دادگاه با توافق مالک سه دانگ دیگر می‌پذیرم که سهم ایشان را برای ادامه کار انتشارات ریزپردازنده خریداری کنم، اما پس از مشخص شدن قیمت، برخلاف توافق شفاهی انجام شده در محضر دادگاه، وکیل ایشان به طور ناگهانی دادخواست فروش را استرداد می‌کنند، و علت کتمان می‌شود.

در جلسه دادگاه بعدی در مورد خلع ید از ملک مشاع نیز که حدود دو ماه بعد برگزار شد به سبب حقیقت کتمان شده، فقط و فقط به دلیل تکلیف دینی-اخلاقی‌ام برای حل اختلافات با یک خویشاوند نزدیکم همه خواسته‌های وکیل ایشان را طی سازش‌نامه‌ای که در دادگاه به امضا می‌رسد می‌پذیرم، که اگر حقیقت گفته شده کتمان نشده بود چنین سازش‌نامه‌ای را که زبان‌های بسیار سنگینی را برایم به وجود آورده است امضا نمی‌کردم (مدتی بعد از دادگاه دوم که از اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران برای حضور در یک جلسه تماس گرفته شد و در این جلسه وقتی گفته شد که وکالت فروش سه دانگ ملک به این اداره داده شده است به علت کتمان‌سازی پی می‌بریم. تمامی شواهد و اتفاقات بعدی نشان می‌دهد که این کتمان‌سازی با هماهنگی و خواست اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران بوده است).

از دیگر سو، تازه‌واردان با پنهان‌سازی موضوع نشان دادند که نه تنها هیچ وزنی برای آنچه در فرهنگ‌مان به صله رحم مشهور است قائل نیستند بلکه با پنهان‌کاری‌ها و سپردن کارها به خارج از دیوان‌شان _ آن هم به عنوان اجرای کار خیر _ پیوسته بر آتش اختلافات دو خویشاوند نزدیک افزودند.



از شماره ۲۶۵ که بررسی مزایای دیوان‌های هوشمند را در سلسله‌مقالات «اینترنت آدم‌ها» آغاز کردیم، نمونه‌هایی از سبک‌های دیوانی ناهوشمند، نادیوانی، و فرادیوانی را نیز برای مقایسه ذکر کردیم. این بخش در ادامه همان نمونه‌ها آمده است. از سوی دیگر، نظر به این که بعضی از خوانندگان پرسش‌هایی درباره علت تعطیلی فعالیت انتشارات ریزپردازنده و تأخیرها در چاپ ماهنامه ریزپردازنده مطرح کرده‌اند ضروری دیدیم توضیحاتی ارائه کنیم.

چرا فراموش شدی؟

مکان‌هایی که به دلیل کار فرهنگی طولانی یک هویت مکانی فرهنگی می‌گیرند به یک ثروت برای شهری که در آن قرار دارند تبدیل می‌شوند، به ویژه در شهرهای هوشمند که به آسانی می‌توانند نشانی بسیاری از مکان‌های فرهنگی دارای قدمت و هویت را در اختیار گردشگران و فرهنگ‌دوستان قرار بدهند. کتاب‌فروشی شکسپیر در پاریس با آن که یک کتاب‌فروشی کوچک و قدیمی و فشرده است روزانه صدها نفر را به سمت خود جلب می‌کند. یا کتاب‌فروشی Libreria Acqua Alta در شهر ونیز ایتالیا. کافه نادری تهران هم فقط به دلیل آن که در گذشته نویسندگانی چون صادق هدایت در آن رفت‌وآمد داشته‌اند به یک مرکز گردشگری فرهنگی تبدیل شده است. شهر هوشمند با هویت مکانی است که روح می‌گیرد و فراموش نمی‌شود.

ربع قرن فعالیت انتشاراتی در یک مکان برای آن مکان گونه‌ای هویت مکانی فرهنگی پدید می‌آورد. نظر به این که به ادامه کار ماهنامه ریزپردازنده _ که ۳۰ سال قدمت دارد _ و انتشارات ریزپردازنده می‌اندیشیدیم تلاش‌مان بر این بوده است که مکان فعالیت آن را با ربع قرن قدمت حفظ کنیم. مدت نسبتاً زیادی است که فعالیت انتشارات ریزپردازنده که در سال‌های گذشته ده‌ها کتاب منتشر کرده بود و بسیاری از آنها چندین بار تجدید چاپ شده بودند، به دلیل مشکلاتی که برای ساختمان محل فعالیت این انتشارات به وجود آمد متوقف شده است. به اشتباه فکر می‌کردیم مسئله حداکثر ظرف چند ماه تمام شود.

ضمناً" پرونده دادخواست با موضوع دستور فروش ملک مشاع نسبت به پلاک ثبتی مذکور به شماره پرونده ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ و شماره بایگانی ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ و پرونده با شماره بایگانی ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ واحد اجرای احکام در شعبه ۰۰۰۰ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی ۰۰۰۰ در حال رسیدگی است. (ضمناً مشخص شدن مترآز عرصه ملک از سوی مرجع ثبتی تاثیر قابل توجهی در قیمت کارشناسی ملک دارد.)

در جلسه نخست در اداره اوقاف استان تهران مدعی می‌شوند که حاضرند برای خرید یا فروش سهم موکل‌شان مذاکره و توافق کنند. وقتی می‌پرسیم که اگر بنا بر فروش داشته‌اند چرا شریک ملک پس از ارائه وکالت فروش به اداره اوقاف، دادخواست فروش خود را پس گرفته است پاسخ درستی نمی‌گیریم، اما برای چنین پرسش‌هایی باید به یاد شمشیر داموکلس می‌افتادیم. بعد از چند جلسه و سه بار جلسه مباحثه‌نویسی به نتیجه نمی‌رسیم. به عنوان مثال، برای یکی از این جلسات مباحثه‌نویسی پس از مدتی انتظار که مسئول اوقاف حضور نمی‌یابند با ایشان تماس گرفته می‌شود و می‌گویند برای یک سمینار در شهرستان هستند. دفتر خصوصی برگزارکننده جلسه پیشنهاد شگفت‌انگیزی ارائه می‌دهد: هر سه نسخه مباحثه‌نامه را امضا کنید تا این دفتر بعداً امضای مسئول اوقاف را بگیرد! ظاهراً این جلسه برای همین پیشنهاد شگفت‌انگیز برگزار شده بود و انتظار بر این بوده است که چون شمشیر داموکلس وقف بر بالای سرمان بوده است این پیشنهاد شگفت‌انگیز را بپذیریم. یا در جلسه سوم حاضر نشدند اجاره‌نامه مؤسسه یا افرادی را ارائه بدهند که در بخش تحت تصرف‌شان مشغول و ساکن بودند (اسناد و مدارک در دفتر ماهنامه ریزپردازنده موجود است).

راهی نداشتیم جز مسیر دادگاه، که با آن که به نفع دو طرف بود از اول مورد پسند اداره اوقاف استان تهران نبود و رفتارها به گونه‌ای بود که اگر مزایده بخواهد انجام بگیرد شمشیر داموکلس وقف در لحظات آخر به کار گرفته خواهد شد. پاسخ استعلام‌های مورد نظر کارشناس محترم دادگستری از شهرداری با وجود پیگیری‌های فراوان به گونه‌ای غیرطبیعی طولانی گردید. سرانجام، مزایده برگزار گردید، اما پس از دو ماه دفترخانه اطلاع داد که با توجه به استعلام از اداره ثبت، سه دانگ ملک چند روز پیش از روز مزایده وقف شده بوده است. خسارت‌های سنگین مانند فروش آپارتمان در زمان رکود _ که حالا قیمت آن چهار برابر شده است _ برای تهیه پول خرید این ملک و حدود سه سال رفت‌وآمدهای بی‌نتیجه و مشاهده رویه‌های غیرطبیعی به ما نشان داد که بهتر است به دنبال راه دیگری برای انتشار مجله باشیم.

از سوی دیگر، برای این که با مشکل کاربری ساختمان مواجه نباشیم و برای این که با دردسرهایی روبه‌رو نشویم که مستأجر ... ممکن است پدید بیاورد ضمن پوزش از همه خوانندگان عزیز ریزپردازنده، برای انتشار منظم ماهنامه ریزپردازنده و حتی بازگشت به کیوسک‌ها در فکر یک راه حل جدید هستیم. □

«قرار دادگاه»

در خصوص دعوی مزده حمزه تبریزی بطرفیت با وکالت آقای م. ع. بخواسته الزام به ایفای تعهد نظر به اینکه وکیل خواهان بشرح لایحه وارده دادخواست خود را مسترد نموده است. لذا دادگاه مستنداً به بند ب از ماده 107 قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی خواهان را صادر و اعلام می‌نماید قرار صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

برای مشخص شدن مترآز ملک، ارائه یک دادخواست جدید به دادگاه محترم ضروری گردید، در ذیل این دادخواست که در تصویر اول آمده است، دادخواست دستور فروش ملک نیز یادآوری می‌گردد. در رأی دادگاه محترم برای این دادخواست جدید _ که در همان شعبه‌ای برگزار شد که دستور فروش را صادر کرده بود _ نام و کیلی (آقای م. ع.) آمده است که مربوط به یک مسئول اداره اوقاف استان تهران است، که بدین معنی است که این اداره اوقاف قطعاً از حکم دادگاه محترم برای مزایده ملک مطلع بوده است. در همین مجله نیز خبر دستور فروش دادگاه را در شماره ۲۶۵ انتشار دی ۱۳۹۶ منتشر کردیم، تا پدیده رهاشدگی دیوانی مشاهده و چاره‌ای برای آن اندیشیده شود. مدارک دیگری نیز برای این اطلاع در دفتر مجله موجود است. با وجود این، چند روز پیش از جلسه مزایده _ که در مهر ۹۷ برگزار شد _ سهم مالک دیگر ملک وقف می‌شود. ناگفته پیداست که اگر ملک پیش از جلسه مزایده وقف شود و موضوع به دادگاه گزارش نشود برنده مزایده قطعاً متضرر می‌شود. چرا به عنوان «مطلع» موضوع وقف را به دادگاه محترم اطلاع ندادند؟ اگر اداره اوقاف فروشنده نبوده است چرا هزینه‌های بسیار سنگین و دو سال دوندگی بسیار عذاب‌آور در ادارات مختلف را تحمیل کرده است؟

در همان جلسات نخست متوجه می‌شویم همچون یک دیوان کاملاً مستقل و رهاشده و بدون رویه‌های دیوانی متعارف عمل می‌کنند و اختیارات گسترده‌ای دارند. گستردگی اختیارات را به راحتی شرح می‌دهند، اگر پیشنهادها آنها را نپذیرید یا اگر اعتراض کنید زیان خواهید کرد، به ویژه اگر به شما بگویند که هر لحظه این اختیار را داریم که بخشی از ملک مشاع‌تان را وقف کنیم که گذشته از پایین آمدن قیمت ملک دچار دردسرهایی می‌شوید که یک نمونه از آن را خودشان شرح می‌دهند: «اگر اداره اوقاف سهم وقف شده را بخواهد اجاره بدهد از طریق مزایده انجام می‌دهد که ممکن است برنده مزایده یک ... باشد که ممکن است برای‌تان مشکل آفرینی کند» (کلمه‌ای که به جای سه نقطه به کار بردند به یک بیماری قابل درمان اشاره داشت، اما منظور دزد و مردم‌آزار و مانند آن بود). وقتی چنین شمشیر داموکلسی بر بالای سرتان باشد ناچارید هر چه می‌گویند بپذیرید و یا در برابر نادیوانی‌ها هیچ اعتراضی نکنید.



بالای پله‌های حیاط خلوت کتاب‌فروشی Libreria Acqua Alta در شهر ونیز ایتالیا که با کتاب ساخته شده است می‌توانید منظره یک رودخانه ونیز را تماشا کنید (راه فرار اضطراری هم هست).



کتاب‌فروشی Libreria Acqua Alta در شهر ونیز ایتالیا همه‌روزه شاهد تعداد زیادی از گردشگرانی است که به کتاب علاقه دارند و از این کتاب‌فروشی که پله‌های حیاط خلوت آن نیز با کتاب ساخته شده است بازدید می‌کنند.



میز مشاهیر در کافه نادری تهران، جایگاه نویسندگانی چون صادق هدایت یا جلال آل احمد بوده است.



کافه نادری تهران هم فقط به دلیل آن که در گذشته نویسندگانی چون صادق هدایت در آن رفت‌وآمد داشته‌اند به یک مرکز گردشگری فرهنگی تبدیل شده است.